

هویت مشترک اسلامی و تمدن نوین اسلامی

هویت مشترک اسلامی و تمدن نوین اسلامی

سید آصف کاظمی[1]

چکیده

جهان اسلام در حال حاضر ظرفیت و زمینه‌های بسیار فراوان برای احیای مجد و شکوه گذشته خود پیدا نموده است. جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر به‌منزله یک‌قطب جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بزرگ، داشتن قابلیت‌های مهم برای احیای تمدن اسلامی که یکی از مهم‌ترین این ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها هویت مشترک اسلامی مانند موانع مشترک، سابقه تاریخی، ارزش‌های مشترک، پیوستگی جغرافیایی و مرز مشترک، قابلیت‌های فوق‌العاده ژئوپلیتیکی مشترک، تهدیدات خارجی و داشتن دشمنان مشترک، منافع متقابل مشترک و ... برخی از این زمینه‌ها و قابلیت‌ها هستند. این تحقیق در تلاش است به این پرسش پاسخ دهد که هویت مشترک اسلامی چه نقشی در تمدن نوین اسلامی دارد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که امروز به برکت احیای اسلام و بیداری مسلمانان، بازسازی و نوسازی تمدن اسلامی آغاز شده و با تلاش و همت دانشمندان و نخبگان و در پرتو اتحاد جهان اسلام و خودباوری و اعتماد به نفس مسلمانان و توجه به هویت مشترک که زمینه‌های بسیار مهم نوسازی تمدن اسلامی هستند شتاب بیشتری گرفته و به سمت شکل‌گیری تمدن اسلامی که بیداری اسلامی مقدمه آن است در حرکت است.

واژگان کلیدی

هویت اسلامی، ارزش‌های مشترک، دولت اسلامی، جغرافیا، منافع مشترک، دشمن مشترک.

مقدمه

تمدن اسلامی به با 14 قرن حیات پرفرازونشیب از ریشه‌دارترین تمدن‌های انسانی به شمار می‌آید و در برهه‌های از تاریخ قلمرو اسلام را از لحاظ نظم و انضباط اخلاقی، برتری سطح زندگی، سعه‌صدر و اجتناب نسبی از تعصب و توسعه و ترقی علم و ادب طی قرن‌های دراز پیشاهنگ تمام دنیای متمدن و مربی فرهنگ عالم انسانیت قرارداد و فرهنگ و تمدن جهان امروز بدان بیشتر از تمدن یونان مدیون است. تمدن گذشته‌ی اسلامی گرچه بر پایه‌ی اسلام اصیل بنا نشده بود، اما همین‌که تا حدی از چشمه‌ی زلال آموزه‌های اسلامی جرعه‌هایی نوشیده بود، توانست آثاری به آن عظمت بیافریند. مسلماً اگر در تمدن سازی پیش رو، اسلام مبنای عمل قرار گیرد، جهان شاهد تمدن بی‌نظیری خواهد بود که در آن دنیا و آخرت، ماده و معنا رفاه و معنویت باهم جمع خواهند شد و تمدنی با این ویژگی مسلماً با اقبال جهانیان نیز مواجه خواهد گشت. از این‌رو، عصر حاضر را بازسازی تمدن جدید اسلامی نامید چراکه مسلمانان امروز با مشاهده و لمس ناکامی‌های گذشته خویش، بلوغ لازم را برای دستیابی به وضعیت جدید پیدا کرده‌اند و در پی تغییرات بنیادین و نوسازی تمدن خویش هستند و خوشبختانه امروزه مقدمات تمدن نوین اسلامی در حال فراهم و تکمیل شدن است. امروزه ما شاهد بیداری اسلامی و حرکت دوباره مسلمانان برای نوسازی فرهنگ و تمدن اسلامی هستیم. [2]

در این نوشتار در پی بررسی نقش هویت مشترک اسلامی در شکل‌گیری و احیای تمدن نوین اسلامی هستیم. اگر مسلمانان به مشرکات موجود در بین امت اسلامی توجه داشته باشند به راحتی می‌توانند از مشکلات امروزی خلاص شوند و تمدن خویش را بار دیگر بازسازی و توسعه دهند و تمدن نوین اسلامی را خلق کنند. شکل‌گیری تمدن اسلامی در طول تاریخ یکی از آمال و آرزوهای دیرین آحاد مسلمانان به‌ویژه نخبگان و اندیشمندان اسلامی بوده است و فرهیختگان امت اسلام برای تحقق آن راهکارهای مؤثری ارائه داده‌اند. در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن‌ها عوامل و عناصر گوناگونی نقش دارند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مشرکات درون آن جامعه اشاره داشت. توجه به هویت مشترک اسلامی یکی از راهکارهای است که در رسیدن به این هدف مهم ما را کمک می‌کند.

هویت از جمله مفاهیمی است که همواره در معرض تغییر با تحولات سیاسی- اجتماعی جوامع بشری قرار داشته است. انسانها همانگونه که دارای هویت فردی است، دارای هویت جمعی نیز بوده‌اند که آنها را به یک جمع بزرگتر پیوند می‌داده است. «هویت» [3] فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه هر فرد یا قوم یا ملت به پرسشهایی از چیستی و کیستی خویش است و اینکه چه کسی هست و به کدام گروه قومی، ملی، مذهبی و نژادی تعلق دارد؟ دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و در فرایند توسعه جهانی چه سهم و نقشی داشته و امروز صاحب چه جایگاه و منزلت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در نظام جهانی است؟ در فرهنگ معین هویت به معنای ذات باری تعالی، هستی، وجود، و آنچه موجب شناسایی شخص شود اشاره شده است. [4] هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد و به يك معنا هویت عبارت است از آنچه سبب تشخیص و یا آنچه موجب شناسایی فرد می‌شود. [5] بنابراین هویت عبارت است از مجموعه ویژگیها و الگوهای که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر اقوام، ملتها و تمدنها متمایز می‌سازد. واژه هویت بار دو مفهوم متضاد را با خود دارد: همسانی و تفاوت. برای شناخت بهتر مفهوم هویت، باید عناصر تشکیل دهنده آن را بازشناسیم. سرزمین و قلمرو، دین و مذهب، زبان، سنتها و آیینها، میراث فکری، اسطورهها و قهرمانان و ... برخی از مهم ترین عناصر سازنده هویت هستند.

تمدن

تمدن [6] در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و یونانیان با استفاده از این واژه شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. [7] در فرهنگ فارسی تمدن چنین تعریف شده است: شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود. [8] به اعتقاد علامه جعفری تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تراحم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهاي سازنده آن‌ها باشد. [9] ویل دورانت آن را نظم دانسته است. [10] بنا بر تعاریف یادشده، میان فرهنگ و تمدن ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد و تمدن بدون فرهنگ تحقق نمی‌یابد، زیرا زیربنای همه تمدن‌ها، ساختارهای فرهنگی است و فرهنگ، زمینه لازم برای رشد تمدن هست. منظور ما از تمدن، يك مجموعه نظام فرهنگی است که از خصایص فرهنگی عمده و مشابه چند جامعه خاص تشکیل شده است. تمدن اسلامی نیز به تمدنی گفته می‌شود که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام بچرخد و میراث مشترك مردم و

ملت‌هایی است که اسلام در سرزمین آن‌ها نفوذ کرد و در ساخت و شکوفایی تمدن اسلامی ایفای نقش کردند. به این ترتیب، تمدن اسلامی نه به نژاد خاصی تعلق دارد و نه تمدنی ملی است که به مردم خاصی تعلق داشته باشد، بلکه همه گروه‌های نژادی و قومی را که در پیدایش، رونق و طراوت و گسترش آن نقش داشته‌اند، در برمی‌گیرد. [11]

هویت مشترک و تمدن نوین اسلامی

جهان اسلام برای ساخت تمدن نوین خویش دارای مشترکات بسیاری هستند. در اینجا نقش برخی از عناصر سازنده هویت مشترک در تمدن نوین اسلامی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هویت مشترک مانند سابقه تاریخی مشترک، دشمن مشترک، تهدید مشترک، منافع مشترک، جغرافیای مشترک، اهداف مشترک که از عوامل اصلی نوسازی تمدن اسلامی به حساب می‌آیند. این ویژگی‌های مشترک باعث می‌شوند جهان اسلام در قدم اول به همگرایی رسیده و با تکیه بر آن و زدودن غبارهایی که در اثر موانع مختلف بر آن نشسته، تمدن نوین خویش را احیا نمایند.

1- ارزش‌ها و سابقه تاریخی مشترک

یکی از عوامل پیدایش هویت، تعلق خاطر به یک فرهنگ و تمدن می‌باشد. جامعه بسان فرد، در رشد و تکامل خود، به فرهنگ و عناصر فرهنگی، هنجارها، ارزش‌ها، آداب، رسوم، سنن، رفتارها و منش‌های خاص جامعه و آثار تمدنی که از سایر جوامع متمایز گردد، پایبند است و نسبت به آنها احساس وابستگی و تعلق می‌کند. آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی، پیوند دهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر و مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می‌شود و هر جامعه‌ای با هویت تاریخی خود تعریف و ترسیم می‌شود. [12] از این رو، ارزش‌ها و سابقه تاریخی مشترک از مهمترین عناصر سازنده هویت و عامل بسیار مهم برای تمدنها به ویژه تمدن نوین اسلامی به حساب می‌آیند. جهان اسلام با دارا بودن زمینه‌های تاریخی، دینی و فرهنگی مشترک، توسعه و نوسازی تمدن اسلامی دور از دسترس نیست. جوامعی که از نظر تاریخی، دارای سابقه و ارزش‌های مشترک هستند به راحتی می‌توانند در راستای ایجاد تمدن گام بردارند و به سادگی این تجربه تاریخی را تکرار نمایند.

مهم‌تر از سابقه تاریخی مشترک، وجود ارزش‌های مشترک میان کشورهای اسلامی هستند که امکان دست یافتن

به یک توافق عمومی، همبستگی و پیوند اسلامی و در نتیجه نوسازی و احیای عظمت اسلامی را رقم بزند. در این زمینه، دین اسلام به عنوان مهم ترین عامل و ارزش مشترک ارتباط کشورهای اسلامی را تسهیل می نماید. به ویژه آن که بر اساس تعالیم اسلام همه ی مسلمانان به عنوان امتی واحد شناخته می شوند. [13] این امر بستر مناسبی را از لحاظ فکری جهت احیای تمدن اسلامی فراهم می آورد. در حقیقت، اسلام به عنوان یک دین جهان شمول سعی در ایجاد تمدن میان همهی نژادها و اقوام دارد تا تمام مسلمانان را بدون توجه به نژاد یا زبان به صورت یک ملت واحد درآورد. [14] دین مهم ترین منبع برای هویت است، چرا که به پرسش های بنیادین پاسخ می دهد، به زندگی جهت می بخشد، روابط اجتماعی را تحکیم می بخشد و وحدت اعتقادی ایجاد می کند. ساموئل هانتینگتون معتقد است دین برای کسانی که با پرسش های من کیستم؟ و به کجا تعلق دارم؟ رو به رو هستند، پاسخ های قانع کننده ای دارد. [15] از این رو با جرئت و بدون شک می توان گفت که اسلام به عنوان ارزش مشترک گروه های اسلامی؛ مهم ترین زمینه و عامل هویت اسلامی، آموزه ها و تعالیم گران قدر دین مبین اسلام است. همه مسلمانان جهان اسلام در اصول و بسیاری از فروع با یکدیگر اشتراک عقیده دارند. خدای واحد، پیامبر واحد و کتاب واحد، پایه های هستند که می توانند وحدت و انسجام امت اسلامی را بار دیگر احیاء و همگرایی را به جهان اسلام به ارمغان آورند.

مصادیق ارزش های مشترک همگرایی در اسلام زیاد هستند. قرآن کریم بیشترین نقش در هویت دهی اسلامی دارد. وجود مقدس پیامبر عظیم الشأن آل طاهرین آن حضرت و دوستی و مودت خاندان پاک آن حضرت از مصادیق اصلی ارزش های مشترک تمدن اسلامی هستند. نقش پیامبر اسلام و اهل بیت در هویت مسلمانان که خود عامل مهم در نوسازی تمدن اسلامی است نیازمند تحقیق مفصل است و در این مجال نمی گنجد. از ارزش های مشترک بسیار مهم که در ارتباطات اسلامی نیز دارای اهمیت فوق العاده است، مراسم حج است. مراسم حج دارای بار هویتی و همگرایی در جهان اسلام است که از آن می توان برای نوسازی تمدن اسلامی بسیار بهره گرفت. همین ویژگی را مراسم اربعین سید و سالار شهیدان دارد. درواقع ارزشهای مشترک، و سابقه تاریخی آحاد مسلمانان را یکجا جمع می کنند و به آنان کمک می کنند زودتر به هدف برسند و نوسازی تمدن اسلامی را که از مهمترین اهداف مسلمانان است، سرعت بخشد. استقلال طلبی یکی دیگر از ارزش های انسانی و اسلامی مشترک است. مقاومت و ایستادگی ارزش مشترک دیگر اسلامی است که نوسازی تمدن اسلامی بر آن استوار است، اصلی که انبیای الهی و مؤمنان راستین بدون بهره مندی از آن هرگز موفق به انجام رسالت خویش نمی شدند. آنان با ایستادگی و مقاومت در برابر سنت های غلط و مناسبات نادرست اجتماعی و بذل ایثار و از خودگذشتگی در این راه به اصلاح جامعه پرداخته و بدون به دل راه دادن هرگونه ترس و واهمه ای از سختی ها و مشکلات فرا روی، رسالت های سنگین الهی خود را به انجام رسانیدند. خداوند متعال در قرآن مقاومت و پایداری را در کنار توحید قرار داد که نشانگر ارزش بالای

پایداری و مقاومت در مسیر حق است. [16] از ارزش‌های مشترک که در اسلام و لسان قرآن و اهل بیت (ع)، از آن با عنوان بالاترین خیر تعبیر شده است [17] شهادت طلبی است. در حقیقت، شهادت خون دوباره‌ای است که به کالبد نیمه جان جامعه وارد می‌گردد، خون این عنصر خلیفه الهی در نظام اجتماعی به عنوان گویاترین و مؤثرترین عامل تبلیغ صدق و صفا، حق و حقیقت آگاهی و سازندگی خواهد بود.

با این توضیح مشخص می‌شود که نوسازی امت اسلامی امری ممکن و محتمل است زیرا در گذشته‌ای نه چندان دور، جوامع مختلف اسلامی در سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا تحت قلمرو حکومتی واحد قرار داشته‌اند به طوری که حتی توانسته‌اند در چندین جنگ بزرگ، قدرت‌های بزرگ جهانی را شکست دهند. فتح اندلس و همچنین خاطره جنگ‌های صلیبی که دوستان سال به طول انجامید و به آزادسازی بیت المقدس منتهی شد هنوز در ذهن‌ها وجود دارد. فتح قسطنطنیه و فروپاشی امپراتوری روم شرقی که تاریخ اروپا را تغییر داد و رنسانس و رفرماسیون را برای اروپایی‌ها به ارمغان آورد؛ بنابراین در صورتی که با این ایده‌ی نظریه پردازان روابط بین الملل موافق باشیم، می‌توان گفت که امت اسلامی در سایه تجارب تاریخی درخشان خود، برای احیای دوباره تمدن اسلامی از زمینه مناسبی بهره‌مند است. بنا بر تجربه تاریخی تمدن اسلامی در گذشته، که در پرتو ارزش‌های اسلامی، هر قوم و نژادی از نتیجه کار و کوشش قوم و نژاد دیگر بهره‌مند می‌شد. دانشمندان مسلمان از فرغانه در دورترین نقطه شرق اسلامی با وسایل ابتدایی آن روز به راه می‌افتادند و خود را به غرناطه در غرب اسلامی می‌رساندند تا از محضر دانشمندان آنجا بهره‌برند. [18] در نتیجه، پیدایش چنین روحیه علمی و رفت و آمد دانشمندان مسلمان، موجب هرچه شکوفاتر شدن دانش در حوزه تمدن اسلامی شد. همین دوری مسلمانان از تفرقه و اختلاف بود که مسلمانان توانستند تمدن عظیم بنا کنند. شهید مطهری بعد از نقل این فراز از نوشته پرفسور ارنست کونل، مدّگوید: «نکته جالب در بیان این دانشمند این است که مدّگوید مسلمانان از نژادهای مختلف بر روی اختلافات نژادی خود پل بسته بودند؛ یعنی اسلام برای اولین بار توانست کلیتی و وحدتی سیاسی و اجتماعی بر اساس عقیده و مرام و مسلک به وجود آورد و همین جهت تسهیلات زیادی از لحاظ ایجاد تمدنی عظیم و وسیع به وجود آورد». [19]

2- جغرافیا، ژئوپلیتیک و مرز مشترک

ژئوپلیتیک، پیوستگی و مرز مشترک و در مجموع جغرافیا از دیگر عناصر سازنده هویت هستند. هر شخصی از طریق محیط اجتماعی‌ای که به آن متعلق است، هویت خود را مدّسازد و توسعه مدّدهد. هویت تا حد زیادی به کم و کیف روابط اجتماعی فرد با جغرافیای آن شخص، بستگی دارد. در این زمینه نیز جهان اسلام،

داراي زمينه جغرافيايي مناسب براي نوسازي تمدن اسلامي هست. جمعيتي بيش از يك ميليارد و سيمد ميليون نفر پس از جهان مسيحيت، دومين جمعيت بزرگ مذهبي است. از نظر ميزان گسترش جمعيت مسلمانان در مناطق مختلف جهان نيز آمارها بسيار روشنگر هستند. از كل ۳۹ کشور آسيايي ۲۱ کشور جزو کشورهای اسلامي محسوب مي‌شوند. همچنين از ۵۸ کشور آفريقايي ۲۰ کشور آن مسلمان هستند. اگرچه در قاره اروپا تنها دو کشور اسلامي آلباني و بوسني هرزگوين وجود دارند ولي مسلمانان از طريق مهاجرت به کشورهای بزرگ اروپايي چون انگلستان، فرانسه، آلمان و ايتاليا توانستند جمعيت‌هاي چندميليوني را در اين کشورها به وجود آورند. مسلمانان در اين کشورها از طريق حفظ هويت مذهبي و ديني خود توانسته‌اند تأثير بسيار زيادي بر اين جوامع از خود بر جاي گذاشته و مردم اين کشورها را به‌سوي خود جذب نمايند. در حال حاضر گرايش فزاينده اروپايي‌ها به دين مابين اسلام موجب نگراني شديد سياستمداران اين کشورها شده است.

يکي از گزارش‌هاي مؤسسه پژوهشي «پيو» در آمريکا نشان مي‌دهد که اسلام در هر سال 2.9 درصد رشد دارد و اين نرخ رشد بيش از نرخ رشد جمعيت جهان است که هر سال حدود ۲.۳ درصد هست. در اواسط سال ۲۰۱۰ مؤسسه پيو تخمين زد که جمعيت مسلمانان حدود 1.75 ميليارد نفر است که ۲۲ درصد جمعيت جهان را تشکيل مي‌دهند و پيش‌بيني مي‌شود که تا ۲۰ سال آينده، جمعيت مسلمانان جهان ۳۵ درصد افزايش يابد. اسلام دومين دين بزرگ جهان است و بعد از مسيحيت که ۲ ميليارد پيرو دارد و ۳۳ درصد جمعيت جهان را تشکيل مي‌دهد، قرارگرفته است. بخش دين وزندگي عمومي مؤسسه پژوهشي پيو عنوان کرد: اسلام پرسرعت‌ترين دين در حال رشد در اروپا است و تعداد مسلمانان اروپا در ۳۰ سال گذشته سه برابر شده است. اکثر جمعيت شناسان پيش‌بيني مي‌کنند که جمعيت مسلمانان در دهه‌هاي پيشرو بالاتر از جمعيت مسيحيان شود. [20]

مرکز تحقيقات پيو همچنين درباره جمعيت مسلمانان آمريکا تخمين زده است که تا سال 2050 سهم مسلمانان از کل جمعيت آمريکا دو برابر وضعيت فعلي خواهد بود. اين تخمين جديد مؤسسه پيو مبتني بر محاسبه آماري جمعيت مسلمان و ساير اديان آمريکا از سال 2011 به بعد است و نشان مي‌دهد که گرايش به اسلام نسبت به ديگر اديان در آمريکا بيشتر است. گزارش نشان مي‌دهد که تا قبل از سال 2040 مسلمانان دومين گروه مذهبي آمريکا، پس از مسيحيان خواهند بود. [21] از نظر سياسي نيز مي‌توان گفت که امت اسلامي به لحاظ تعداد کشورهای موجود در جهان هم‌اکنون بيش از يک‌چهارم کشورهای جهان را تشکيل مي‌دهند؛ به عبارت ديگر، از مجموع ۱۹۲ کشور جهان هم‌اکنون ۵۷ کشور در سازمان کنفرانس اسلامي عضويت دارند؛ بنا بر اين کاملاً مشخص است که اين تعداد کشور اسلامي در صورتي‌که بتوانند مواضع سياسي واحدی اتخاذ نمايند تا چه اندازه مي‌توانند در سياست بين‌الملل تأثيرگذار باشند و زمينه‌هاي احيا و نوسازي تمدن اسلامي را فراهم سازند.

در حال حاضر، کشورهای اسلامی در سرزمین وسیعی با 11 هزار کیلومتر طول و 5 هزار کیلومتر عرض واقع شده‌اند. [22] این وضعیت باعث شده بسیاری از کشورهای اسلامی در مجاورت هم قرار گیرند و مرز مشترک داشته باشند. این امر پتانسیل مهم و بستر مناسبی برای هویت مشترک و همگرایی به حساب می‌آید. مزیت موقعیت ژئوپلیتیکی جهان اسلام نیز به مجاورت و داشتن مرز مشترک اضافه شده و زمینه‌های هرچه بیشتر همگرایی را فراهم می‌سازد. موقعیت مهم و ژئوپلیتیکی مانند تنگه داردانیل و بسفر، کانال سوئز، باب المندب، تنگه هرمز، تنگه مالاکا و تنگه‌ی جبل‌الطارق، خلیج فارس، دریای عمان و دریای سرخ در کوتاه کردن فواصل دریایی و زمینی، میان شرق و غرب نقش مهمی بر عهد دارند. [23] کشورهای اسلامی از نظر جغرافیای سیاسی و موقعیت ژئوپلیتیک در بهترین شرایط ممکن قرار دارند. به عنوان مثال می‌توان به کشورهایی چون ایران و عربستان اشاره کرد. این دو کشور از نظر اهمیت جغرافیایی جزو ده کشور اول جهان محسوب می‌شوند زیرا از یکسو دارای موقعیت مرکزی بوده و از سوی دیگر، از دو طریق به دریا راه دارند. علاوه بر آن با تنگه‌های استراتژیک و آبراه‌های بین‌المللی هم‌جوار هستند. این وضعیت به این دو کشور منحصر نمی‌شود؛ کشور مصر مالک آبراه سوئز است. ترکیه تنگه‌های بسفر و داردانل را در تصرف خود دارد. تنگه مالاکا در اختیار کشور بزرگ اندونزی است. مراکش نیز در اداره امور مربوط به تنگه جبل‌الطارق با اسپانیا شریک است؛ بنابراین مشاهده می‌شود که جغرافیای سیاسی جهان اسلام منحصربه‌فرد است و به همین دلیل می‌تواند زمینه مناسبی برای تمدن نوین اسلامی به شمار آید. چنانچه کشورهای اسلامی موقعیت ویژه جغرافیایی خود را در جهان درک نماید، با رعایت عامل ژئوپلیتیک- ژئواستراتژیک و ژئو اکونومیک می‌توانند نوسازی تمدن اسلامی را تقویت کنند و مقدمات تبدیل شدن به یک قدرت اثرگذار جهانی را فراهم نمایند.

3- منابع و منافع مشترک

یکی از نیازی بشری و تمدنی اقتصاد و بودجه آن است. از طرفی تمدن اسلامی تمدن فراگیر و جهانی خواهد بود. از این رو در تمدن اسلامی معنویت از ماده جدا نخواهد شد بلکه این تمدن شامل همه نیازهای فطری بشر است. منابع و منافع مشترک اقتصادی زمینه خوبی حداقل از جهت اقتصادی برای نوسازی و احیای تمدن اسلامی در جهان معاصر است. جهان اسلام دارای قدرت نهفته و امکانات عظیمی مادی هست که در صورت همکاری بین مسلمین می‌تواند از این ظرفیتهای مادی استفاده نموده و جهان اسلام را به قدرت برتر در جهان تبدیل نماید. کشورهای اسلامی اگرچه در حال حاضر در شرایط نامطلوبی مادی به سر می‌برند و از جمله کشورهای ضعیف و به شمار می‌آیند، ولی بررسی وضعیت منابع طبیعی این کشورها بیانگر آن است که این کشورها به صورت بالقوه بسیار قدرتمند و ثروتمند هستند. متأسفانه سوء مدیریت و وابستگی

رهبران این کشورها مانع از بهره‌برداری صحیح از این منابع شده است. وجود منابع عظیم نفت و گاز در سرزمین‌های اسلامی موقعیت بی‌بدیلی به این کشورها بخشیده است؛ زیرا حیات اقتصادی جهان صنعتی به نفت وابسته است. بدیهی است در صورت همگرایی بین کشورهای اسلامی، با توجه به نیاز غرب و استکبار جهانی به این ماده خام ارزشمند، مسلمانان می‌توانستند بسیاری از مشکلات خود را به راحتی مرتفع نموده و زمینه را برای ایجاد یک تمدن نوین و قدرتمند فراهم سازند. منابع عظیم انرژی منطقه خاورمیانه که ثقل و هسته جهان اسلام است به عنوان بزرگترین مخزن انرژی در جهان، یکی از نقطه‌های قوت در جهان اسلام است. حوزه خلیج فارس که بخش اساسی و اصلی خاورمیانه را تشکیل می‌دهد دارای 679 میلیارد بشکه ذخیره اثبات شده نفت (نزدیک به 66 درصد از کل ذخایر جهان) و 1918 تریلیون فوت مکعب، ذخیره گازی (30 درصد کل ذخایر گازی جهان) هست. [24] نفت خام جهان نیز بیش از 66 درصد آن در اختیار کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس قرار دارد. چهار کشور عربستان، ایران، عراق و کویت، بیشترین منابع انرژی را دارا می‌باشند. هم‌چنین ایران، دومین و قطر، سومین کشور دنیا به لحاظ دارا بودن ذخایر گاز طبیعی هستند. از آنجایی که بشر، هنوز موفق به یافتن جایگزینی مطمئن برای نفت و گاز نشده است و از طرفی، منابع هیدروکربنی در حوزه‌هایی چون دریای شمال و کارائیب در حال اتمام است؛ در نتیجه، منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، طی حداقل سده آینده به علت تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای اقتصاد جهانی، مورد توجه خاص قرار خواهد داشت. از طرف دیگر، مصرف جهانی نفت و گاز، هم چنان رو به افزایش است؛ بنابراین کشورهای اسلامی در صورت داشتن وحدت و همگرایی به خوبی می‌توانند با تکیه بر سلاح قدرتمند نفت، هم جهان استکباری را در مقابل خود خاضع نموده و بسترهای لازم تمدن نوین اسلامی را حداقل در بخش اقتصاد فراهم نمایند.

4- چالشها و موانع مشترک

یکی از مهم‌ترین اقدامات که برای نوسازی تمدن لازم است صورت گیرد شناخت و برداشتن چالشها و موانع نوسازی تمدن اسلامی است. موانع نوسازی تمدن اسلامی به دو مانع بیرونی و درونی تقسیم می‌گردد. از مهم‌ترین موانع درونی نوسازی تمدن اسلامی، سطحی‌نگری و عدم ژرف‌اندیشی در بین امت اسلامی است. سطحی‌نگری وسیله مناسب برای پیاده شدن نقشه‌های استعمارگران و دور شدن از شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. امیرالمؤمنین (ع) در جمله‌ای زیبایی فرمودند: «الناس اعداء ما جهلوا»؛ مردم دشمن چیزی هستند که نسبت به آن آگاهی ندارند. [25] از موانع دیگر احیای تمدن اسلامی، اتهامات واهی و شایعات بی‌اساس برخی مذاهب اسلامی نسبت به همدیگر است. این مانع یکی از عوامل تفرقه و از موانع وحدت و همگرایی اسلامی و نوسازی و توسعه تمدن اسلامی است. ریشه بسیاری از این نسبت‌های ناروا در هواهای

نفساني و اندیشه‌هاي هوس‌آلود است و توطئه‌هاي استعماري و استکباري بر ميگردد که با استفاده از زمينه‌هاي موجود در بين مسلمانان رواج و گسترش بيشتري نيز يافته است. گاه اين افتراها به حدي بي‌اساس است که مایه تعجب همه مي‌گردد، زيرا که هيچ پايه و اساسي نداشته و از بافتگي‌هاي دست بيگانگان است. علامه سيد شرف‌الدین با اشاره به وضعيت دردناکي که مسلمانان بر اثر خصومت‌ها و دشمني‌ها نسبت به همدیگر مبتلا شده بودند، مي‌گويد: افسوس و صد افسوس که برادران مسلمان که به یک مبدأ و به یک دین معتقدند، حضورشان در پهنه حیات، همیشه حضوري خصمانه بوده است و پيوسته باهم درگیر شده‌اند و چنان مردم بي‌فرهنگ، درگيري را به اوج رسانیده‌اند... اين است جو اجتماعي نگراني بار مسلمين در طول سال‌ها و سده‌ها! و اين است مصيبت‌هايي که از هر سوي ما را در میان گرفته است، از پيش و پس و از راست و چپ و در اين میان، قلم‌هايي که به کار مي‌افتد... گاه قلم‌هايي است که اميد هيچ‌چيزي به نوشته‌هاي آن‌ها نيست و گاه قلم‌هايي است که مزدور و گاه قلم‌هايي درگرو گروه‌گراني و گاه دستخوش احساسات و در کشاکش اين اوضاع است که جامعه اسلام به سقوط کشانیده مي‌شود. [26] نظر علامه اين بود که بسياري از اختلافات سني و شيعه پايه درستي ندارد، بلکه سرچشمه آن‌ها دروغ‌ها و اتهام‌ها و تبليغاتي است که در شرايط زماني خاص مطرح شده است و قدرت‌هاي سياسي گذشته آن‌ها را اشاعه داده‌اند. [27] البته شكي نيست که در شايعه‌سازي‌ها دست استعمار نيز پيدااست و با بهره‌گيري از تمام امکانات و ابزار تبليغاتي سعي کرده است تا مسلمانان از همدیگر شناخت صحيح و مطابق با واقعي پيدا نکنند و پيوسته در تخریب نگرش‌هاي آنان نسبت به همدیگر کوشیده است. در حقيقت تا چهره حقيقي هرکدام از گروه‌هاي مسلمانان براي گروه‌هاي ديگر شناخته نشود نه وحدت و همگرایی امکان‌پذير است و نه توسعه تمدن اسلامي.

يکي از چالش‌هاي مشترک اسلامي فراروي تمدن نوين اسلامي، تفرقه و واگرایی میان مسلمين در عصر حاضر است. متأسفانه دشمنان اسلام با استفاده از عوامل خود در جهان اسلام از یک سو و با بهره‌برداري از جهل و تعصب و خودخواهي برخي از عناصر تأثیرگذار سياسي و مذهبي در میان جوامع اسلامي، توانسته‌اند اختلاف جزئي فکري و اعتقادي میان مذاهب را که بسيار طبيعي است و لازمه تفکر اجتهادي در میان مذاهب و صاحب نظران اسلامي است را به دشمني و خشونت و تکفير و جنگ و خونريزي بين مسلمين تبديل کنند، به حدي که برخي از اين جريانات از هرگونه گفت و گوي علمي و هرگونه تلاش براي صلح و دوستي و هرگونه اقدام براي تقريب و نزديک کردن دیدگاه‌ها امتناع مي ورزند. اين وضعيت کشتار، جنگ، تفرقه، کينه ورزي، عقب ماندگي، ويراني و آوارگي را در دهه هاي اخير براي جهان اسلام به ارمغان آورده است که برآمده از جهل، تعصب و نتيجه سياست هاي خصمانه و استعماري قدرت هاي غربي است.

بر اساس نظریه‌های روابط بین‌الملل وجود یک یا چند قدرت رقیب یا تهدیدکننده می‌تواند به‌عنوان عامل همبستگی و همگرایی میان کشورهای در معرض تهدید عمل نماید. [28] احساس تهدید و دشمن مشترک داشتن جهان اسلام نیز فرصت و زمینه سیاسی و اجتماعی بسیار مناسب برای همگرایی اسلامی و احیای دوباره تمدن اسلامی را فراهم آورد. احساس تهدید مشترک، داشتن دشمن مشترک و همچنین منافع متقابل مشترک در دنیای امروز عامل خوبی است تا مسلمانان از این فرصت برای همگرایی در مقابل این دشمن مشترک و هدف مشترک گام بردارد. ابن‌خلدون به خوبی نشان می‌دهد که میان تداوم عصبیت و همبستگی خویشاوندی و قبیلگی با رفتار منسجم تشکیلاتی از یکسو و حضور مقتدر یک دشمن مشترک رابطه‌ای اثبات شده وجود دارد؛ بنابراین قدرت‌ها و عصبیت‌های نوظهور تا زمانی که در حال تاختن و مبارزه علیه دشمن مشترک و رژیم مستقر هستند، منسجم هستند. [29]

فرضیه «دشمن مشترک» به قوی‌ترین وجه در رفتار سیاسی دشمنان تمدن اسلامی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا مشاهده می‌شود. سیاست خارجی آمریکا در دوران حدود چهار دهه جنگ سرد در جهت مهار شوروی و متحدان آن و گسترش کمونیسم در جهان بود. وجود شوروی و بلوک شرق به مثابه یک تهدید و دشمن مشترک، فرصتی را برای آمریکا به وجود آورد تا حضور خود را در اقصی نقاط جهان منطقه‌ای جلوه دهد و نفوذ خود در جهان سوم را گسترش دهد؛ اما بعد از فروپاشی شوروی به‌عنوان دشمن شماره یک این کشور، آمریکا در پی استراتژی «دشمن‌سازی»، «دشمن‌یابی» و یا «بزرگ‌سازی دشمنان» در گوشه و کنار جهان پرداخت. بر مبنای آن می‌توان جوهره پنهان نظریه پردازان آمریکایی نظیر «فوکویاما» یا «هانتینگتون» و یا استراتژیست‌ها و سیاستمداران را تجزیه و تحلیل و افشا کرد. بر اساس نظریه «دشمن‌یابی» یک قدرت سیاسی برای احراز هویت وجودی و اتحاد و یکپارچگی سیاسی داخلی نیازمند دشمنی است که بتواند در تقابل با آن چنین کار ویژه‌هایی را در درون نظام سیاسی محقق سازد. [30] پیدایش نظریه‌های «پایان تاریخ» فوکویاما و یا «برخورد تمدن‌ها» از سوی هانتینگتون از همین روست. هانتینگتون نیز با انتشار مقاله «برخورد تمدن‌ها»، از برخورد خونین غرب و اسلام در مرزهای تمدنی سخن گفت. [31] در پهنه گسترده‌تر مناسبات بین تمدن‌ها، بسیاری از مردم مغرب زمین اسلام را احتمالی‌ترین نامزد برای برخورد با غرب می‌بینند. شماری از ویژگی‌های اسلام، به‌ویژه در محتوای انتزاعی و غیر تاریخی، آن را به مبارزی آرمانی تبدیل می‌کند. [32] گفتمان سلطه تلاش می‌کنند از اسلام و مسلمانان چهره خشن و دور از تمدن و مدنیت جلوه دهند. آنان سیاست اسلام‌هراسی را در پیش گرفته‌اند. اسلام‌هراسی در جهان غرب یعنی اسلام خطرناک برای دنیای مسیحیت و برای دفع این خطر، باید اقدامات نظامی، سیاسی،

مسلمانان طبق آموزه‌های قرآنی دارای دشمن مشترک نیز هستند که عبارت است از استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و در منطقه اسرائیل که کیان اسلام را تهدید می‌کنند. امام خمینی (ره) در این باره فرمود: «دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال این‌هاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند، این دشمن مشترک را دفع کنید.» [34] در عرصه درونی نیز، مسلمانان دشمن مشترکی دارند، این دشمن مشترک، عبارت از عقب‌ماندگی و استبداد است و همین مسئله است که تمامی کشورهای جهان اسلام را در سطح کشورهای جهان سوم باقی نگاه داشته است. مسلمانان و جنبش‌های اسلامی معاصر با شناسایی دشمنان و ارائه راهکارهای مقابله با آنان آینده و فردای روشن تمدن جدید اسلامی را در پیش دارند. از این رو، تمدن اسلامی دارای دو دشمن درونی یعنی استبداد داخلی و بیرونی یعنی گفتمان سلطه است. یکی از عوامل مهم که سد راه نوسازی تمدن اسلامی استبداد داخلی و حاکمیت دولت‌های خودکامه در کشورهای اسلامی است. دولت‌های مستبد غالباً به دلیل جدایی از مردم، برای تثبیت موقعیت خود، به قدرت‌های سلطه‌گر خارجی متوسل می‌شوند و از این رو بیش از اینکه در خدمت مردم خود باشند، به حامیان خارجی خویش خدمت می‌کنند و بدین ترتیب هزینه‌های سنگینی را به ملت خویش تحمیل می‌کنند. به‌طور کلی، استبداد داخلی که بسیاری از کشورهای اسلامی در گذشته و یا حال آن را تجربه کرده‌اند و از آن رنج می‌برند، همواره یکی از موانع اساسی در راه رشد و تعالی جامعه و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بوده است. [35]

بنابراین، استکبار و استبداد، دو قلوبی جدانشدنی هستند که همواره در کشورهای اسلامی به فعالیت خود ادامه داده‌اند. بدیهی است که یکی از مهم‌ترین مطالبه مردم مسلمان ضدیت با استکبار خارجی و استبداد داخلی است و بدون آن نوسازی تمدن اسلامی امکان‌پذیر نیست. حال بجای این‌که دنیای اسلام از تئوری دشمن مشترک استفاده نمایند، دشمنان از این تئوری علیه جهان اسلام بهره می‌برد. مطلبی که امام سجاد (ع) در قالب «دعا چنین وضعیتی را به تصویر کشیده است». «خداوندا! مشرکان را از دست‌اندازی به مرزهای مسلمانان با مشغول داشتن آنان به یکدیگر، به خودشان واگذار و با کاستن از تعدادشان از به هلاکت رساندن و کاستن مسلمانان جلوگیری کن و با پراکنده سازی از اجتماع و وحدت، از محاصره شدن مسلمانان بازدار». [36]

بنابراین احساس تهدید مشترک امروزه به مهم‌ترین عامل هم‌گرایی در جهان اسلام تبدیل شده است که زمینه بسیار مناسب برای احیای تمدن نوین اسلامی است. جدای از تهدیدها و دشمنان مشترک برای جهان اسلام، یکی دیگر از منابع تهدید جوامع اسلامی، وجود تمدن غرب است که امروزه در قالب مبارزه با

6- اهداف مشترک

جهان اسلام از مذاهب مختلف دارای اهداف مشترک فراوان هستند که در مسیر نوسازی تمدن اسلامی فوق العاده دارای اهمیت است. حفظ اسلام و حفظ قبله اول مسلمین و حفظ عظمت و وحدت کشورهای اسلامی از این اهداف مشترک است. اهداف مشترک، تمامی مسلمانان را یکجا جمع می‌کند و به آنان کمک می‌کند زودتر به هدف برسند و نوسازی تمدن اسلامی از مهمترین اهداف مسلمانان است را سرعت بخشد. بر همین اساس است که مقام معظم رهبری و با همین مبنای هدف واحد و آرمان مشترک، آینده جوامع اسلامی را تشکیل یک جامعه جهانی بزرگ میداند. [38] از اهداف مسلمانان که نخبگان جهان اسلام تلاش فراوان انجام دادند تا این هدف محقق گردد بازگشت به اصول اسلامی است. آنان معتقدند فرهنگی که اسلام بنا نهاده است همه‌جانبه است و اساس فرهنگ و تمدن اسلامی، اسلام و تعالیم آن است و تجلای آن در تمام حوزه‌ها، از معماری تا ادبیات و از پزشکی تا آداب و رسوم به چشم می‌خورد، از این‌رو، برای گسترش و نوسازی تمدن اسلامی باید به اسلام و اصول آن بازگشت. بازگشت به اسلام مهم‌ترین راهکار و راهبرد نوسازی و گسترش تمدن اسلامی است. بنیاد اصلی تمدن اسلامی، اسلامیت آن است و بی‌تردید، اسلام سبب شکل‌گیری فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی بوده است. تجربه تاریخی مسلمانان خود گواه این است که وقتی دین توجه خود را به جامعه معطوف می‌دارد و جامعه، خود را پایبند عمل به تعالیم اسلامی بدانند، الزاماً به سوی يك جامعه برخوردار از تمدن حرکت خواهد کرد. [39] با چنین باوری، امروزه به راحتی می‌توان به گسترش و نوسازی تمدن اسلامی اقدام کرد. این‌گونه نیست که تنها در يك زمان مشخص مانند گذشته، اسلام ظرفیت تولید علم و فرهنگ و ایجاد يك تمدن عظیم را داشته باشد و بعد از آن دیگر چنین زایشی در میان مسلمانان وجود نداشته باشد، بلکه اسلام همیشه زنده و تمدن ساز است. امروزه به برکت احیای اسلام و بیداری مسلمانان بازسازی تمدن اسلامی شتاب بیشتری گرفته است. قرن حاضر را می‌توان به حق قرن احیای اسلام نامید و جریان بازگشت به اسلام و احیای آن يك جریان سراسری در جهان اسلام است که امید فردای روشن را نوید می‌دهد. مسلمانان باید باور کنند که توسعه یافتگی و عقب‌ماندگی، ذاتی نیست و می‌توان آن را تغییر داد و باید این کار را انجام داد. با نگاهی به تاریخ و تمدن درخشان گذشته اسلام این امر روشن‌تر درک می‌شود.

از ارزش‌های هویت بخش و از اهداف مشترک اسلامی دارای اهمیت، تعلق به يك واحد و نظام سیاسی است. نظام و دولت اسلامی از اهداف مهم سیاسی کلیه گروه‌ها و جریان‌های اسلامی است و آنان به دنبال تحقق

آن در جامعه اسلامي هستند. مهم ترين موضوعي که در عرصه حاکميت سياسي از ديرباز مطرح بوده استقلال و عدم وابستگي سياسي حاکميتها و دولت هاست. استقلال و دفع استعمار و متجاوز از اهداف مهم قيام هاي مردمی و جنگ هاي آزادي بخش مسلمانان و غيرمسلمانان بوده و منشأ بسياري از آلام و مشکلات برآمده از استعمار و دخالت هاي بيگانگان است. از اين رو بايد به عنوان يکي از اهداف بسيار مهم در بيداري اسلامي مطرح باشد و تا رفع و دفع هرگونه دخالت ادامه يابد که مبادا با وجود خون هاي فراوان، انقلاب و ثمرات انقلاب را بار ديگر به نفع خويش مصادره کنند. استقلال از ارزش هاي انسانيست و هيچ کسي دوست ندارد که تحت سيطره و سلطه ديگري باشد. براي هر انساني استقلال همانند آزادي امري ارزشي است. اسلام براي رسيدن به استقلال و هويت بخشي تمدني و جلوگیری از وابستگي ها، برنامه ها و راه کارهايي را ارائه داده است که قرآن به عنوان مهم ترين عامل براي استقلال فرهنگي و تمدني اسلام معرفي شده است؛ زيرا قرآن به عنوان کتاب و قانون اساسي امتي که بايد در درون تمدن ها و فرهنگ ها برخيزد و هويت مستقل و جداگانه بيايد، اين امکان فراهم آمد تا امت اسلام شکل و هويت مستقلي پيدا کند. آيات بسياري مسلمانان را به عنوان یک امت از وابستگي به ديگري باز داشته است. آيات زير مسلمانان را به استقلال خواهي فرا خوانده است. [40] با توجه به سفارش قرآن به استقلال خواهي، و استقلال طلبی و مشترک بودن آن در بين مسلمانان، زمينه احياي تمدن نوين اسلامي با اين هدف سريع تر فراهم خواهد شد.

از اهداف سياسي مشترک در جهان اسلام، مردم سالاري است. يعني نقش دادن به مردم در حکومت و اينکه مردم در اداره و تشکيل حکومت و تعيين حاکم و تعيين سرنوشت حکومت و سياست خويش نقش داشته باشند. همانطوري که استبداد و ديکتاتوري يکي از چالش هاي تمدن اسلامي بود، مردم سالاري نيز زمينه و ظرفيت براي تمدن نوين اسلامي به حساب مي آيد و از اهداف سياسي مسلمانان نيز به شمار مي رود. مردم گرایی و مردم سالاري، عاملي مهم براي بازسازي تمدن اسلامي است.

نتيجه

جهان اسلام با دارا بودن جمعيتي بيش از يك ميليارد نفر به منزله يک قطب جمعيتي، فرهنگي، اقتصادي و سياسي بزرگ، گستره وسيعي از کره خاکی را شامل مي گردد که با داشتن قابليت هاي قوي براي تمدن سازي، مانند پيوستگي جغرافيايي و مرزي، قابليت هاي فوق العاده ژئوپليتيکي، منابع عظيم انرژي، تهديدات مشترک خارجي، داشتن دشمنان مشترک، منافع متقابل مشترک، قابليت هاي تجاري و اقتصادي و همگوني ارزشي و فرهنگي داراي زمينه هاي فراوان در احياي تمدن اسلامي هستند که مي توانند با اين ظرفيتها گام هاي مؤثري در مسير احيا و توسعه تمدن اسلامي بردارد. به نظر مي رسد موانع مشترک مانند

سطحی‌نگری و عدم ژرف‌اندیشی و اتهامات واهی و بی‌اساس نسبت به همدیگر و عدم ارتباط، استبداد داخلی، اختلافات سیاسی، تلاش سلطه، استعمار و صهیونیسم بر سر راه ایجاد تمدن نوین اسلامی قرار دارند که باعث شده شکل‌گیری و نوسازی تمدن اسلامی روزه‌روز بیشتر به تأخیر افتد. از آنچه گذشت تا به دست می‌آید که با توجه به نقش هویت مشترک اسلامی و بسترسازی آن برای ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌توان دریافت نوسازی و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، دور از واقعیت نیست و ظرفیت‌های مادی و معنوی جهان اسلام آن‌قدر مهیاست که مسلمانان می‌توانند با بازشناسی و تقویت آن‌ها، بار دیگر شکوه و عظمت گذشته خویش را بازیابند. از این‌رو، مسلمانان و کشورهای اسلامی، باید امکانات و توان مادی و معنوی جهان اسلام را بشناسند و با درپیش گرفتن استراتژی روشن و هدفمند، همه توان و نیروی خود را برای نوسازی تمدن اسلامی به‌کارگیرند.

منابع

- (1) قرآن کریم
- (2) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر مشهور، قم، 1379.
- (3) صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان، نشر پیام آزادی، تهران، ۱۳۸۵.
- (4) ابن‌خلدون، مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه پروین گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1362.
- (5) الویری، محسن، رابطه اسلام و ایران؛ رویکرد تمدنی، تاریخ اسلام، شماره 20، زمستان 1383.
- (6) امام خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، چاپ دوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، 1379.
- (7) جعفری، علامه محمدتقی، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1373.

- (8) حافظ نیا، محمدرضا، ریباز قربانی نژاد و محسن جان پرور، تحلیل ژئوپولیتیکی عوامل هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره 2، تابستان 1391.
- (9) حسینی، سیدمهدی، نگاهی به اهداف و برنامه استراتژیک آمریکا در فرایند تحول نظام بین‌الملل، دوازدهمین کنگره بین‌المللی خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، اسفند 1381.
- (10) حکیمی، محمد رضا، شرف الدین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ ش.
- (11) درایسدل، آلاسرایر و اچ.بلیک، جرالده، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، 1374.
- (12) دورانت، ویل، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی، امیرحسین آریان‌پور، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، 1365.
- (13) زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، امیرکبیر، تهران، بی‌تا.
- (14) سجادی، عبدالقیوم، امام خمینی (ره) و جنبش‌های اسلامی معاصر، مجله علوم سیاسی، شماره 5، تابستان 1378.
- (15) شرف الدین، عبدالحسین، النص و الاجتهاد، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، 1384.
- (16) شیرودی، مرتضی و کاظمی، سید آصف، نقش رسانه‌های غرب در برابر گسترش اسلام در غرب، فصلنامه علمی تخصصی سخن تاریخ، سال 5، شماره 14، پاییز 1390.
- (17) صفوی، سید یحیی، وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده، انتشارات شکیب به سفارش مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، تهران، 1387.

(18) عزتي، عزت‌آقا، ژئوپلیتیک، انتشارات سمت، تهران، 1371.

(19) عسکري، سهراب، نقش و جایگاه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در ژئوپلیتیک انرژی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره 209-210، بهمن و اسفند 1383.

(20) عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1374.

(21) فن گرونبام، گوستاو ای، وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، ترجمه عباس آریان‌پور، کتاب فروشی معرفت، تبریز، 1342.

(22) فوزي، يحيي و محمود رضا صنم زاده، تمدن اسلامي از دیدگاه امام خميني (ره)، فصلنامه علمي - پژوهشي تاريخ و فرهنگ تمدن اسلامي، سال سوم، شماره 9، زمستان 1391

(23) کراچکوفسکي، ایگناتی یولیا نوویچ، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، علمی و فرهنگی، تهران، 1379.

(24) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار إحياء التراث العربي، بیروت، 1403 ق.

(25) مجموعه مقالات همایش اسلام هراسی پس از 11 سپتامبر علل، روندها و راه‌حل‌ها، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، 1389.

(26) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، 1382.

(27) معمار، رحمت‌الله، سنجش گرایش به هویت تاریخی، مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما، تهران، 1378.

(28) معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1378.

(29) ولایتی، علی‌اکبر، رضا سعیدمحمدی، تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، دانش سیاسی، شماره

(30) هانتز، شیرین، آینده اسلام و غرب، ترجمه همایون مجد، نشر و پژوهش فرزانه روز، 1380.

(31) هانتینگتون، ساموئل، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، 1378.

<http://iqna.ir/fa/news/1384904>

<http://pewresearch.org>

[1] دانش‌پژوه دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) جامعه المصطفی، 09127596452

[2] فن گرونبام، گوستاو ای، وحدت و تنوع در تمدن اسلامی، ترجمه عباس آریان‌پور، ص 96

[3] Identity

[4] معین، محمد، فرهنگ معین، ص 5228

[5] عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص 1265

[6] Civilization

[7] فوزی، یحیی و محمود رضا صنم زاده، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال سوم، شماره 9، زمستان 1391

[8] عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج 1 ص 530

[9] جعفري، محمدتقي، فرهنگ پيرو، فرهنگ پيشرو، ج6، ص 233

[10] دورانت، ويل، مشرق زمين گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشايي، اميرحسين آريان-پور، ص

5

[11] زرین کوب، عبدالحسين، کارنامه اسلام، ص 31

[12] معمار، رحمت‌الله، سنجش گرایش به هویت تاریخی، ص17

[13] إِنَّ هَذِهِ أُمَمٌ تَتُكُّمُ أُمَمَةً وَاحِدَةً وَأَنْزَلْنَا رَبُّكُمْ فَلَاعْبُدُونِ (92 انبیا) وَ

إِنَّ هَذِهِ أُمَمٌ تَتُكُّمُ أُمَمَةً وَاحِدَةً وَأَنْزَلْنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ سوره مؤمنون/ 52

[14] درایسدل، آلاسرایر و اچبلیک، جرالده، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره

میرحیدر، 309-310

[15] هانتینگتون، ساموئل، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، ص 153

[16] سوره فصلت/ 30

[17] مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج71 ص 69

[18] کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم

پاینده، ص 349

[19] مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج14 ص142

[20] <http://iqna.ir/fa/news/1384904>

[21] <http://pewresearch.org>

[22] عزتي، عزت‌الله، ژئوپلیتیک، ص 163

[23] همان، ص 163- 175

[24] عسکری، سهراب، نقش و جایگاه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در ژئوپلیتیک انرژی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره 209-210، بهمن و اسفند 1383، ص 12-24

[25] نهج البلاغه، حکمت 438

[26] حکیمی، محمد رضا، شرف الدین، 180

[27] شرف الدین، عبدالحسین، النص و الاجتهاد، 7

[28] صفوی، سید یحیی، وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده، ص 181

[29] ابن‌خلدون؛ مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه پروین گنابادی، ج 1 ص 334

[30] حسینی، سیدمهدی، نگاهی به اهداف و برنامه استراتژیک آمریکا در فرایند تحول نظام بین‌الملل، دوازدهمین کنگره بین‌المللی خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، اسفند 1381، ص 8

[31] سجادی‌پور، سید محمدکاظم، بنیاد استراتژیک اسلام هراسی در: مجموعه مقالات همایش اسلام هراسی پس از 11 سپتامبر علل، روندها و راه‌حل‌ها، ص 27-28

[32] هانتز، شیرین، آینده اسلام و غرب، ترجمه همایون مجد، ص 18-19

[33] شیرودی، مرتضی و کاظمی، سید آصف، نقش رسانه‌های غرب در برابر گسترش اسلام در غرب، فصلنامه علمی تخصصی سخن تاریخ، سال 5، شماره 14، پاییز 1390، ص 140

[34] امام خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، ج 16 ص 289

[35] ولایتی، علی‌اکبر، رضا سعیدمحمدی، تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، دانش سیاسی، شماره اول، بهار و تابستان 1389، ص 168-169

[36] صحیفه سجادیه دعای 14، فراز 6

[37] حافظ نیا، محمدرضا و دیگران، «تحلیل ژئوپولتیکی عوامل هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره 2، 1391: 66

[38] سجادی، عبدالقیوم، امام خمینی (ره) و جنبش‌های اسلامی معاصر، مجله علوم سیاسی، شماره 5، تابستان 1378 ص 370

[39] الویری، محسن، رابطه اسلام و ایران؛ رویکرد تمدنی، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره 20، زمستان 1383 ص 11

[40] سوره های بقره/ ۱۰۵ و ۱۰۹، آل عمران/ 118، 120، ۱۴۹، نساء/ ۱۴۱، مائده/ 49، ۵۲، 57، فاطر/ ۱۰، منافقون/ ۸، هود/ ۱۱۳، فتح/ 29